

مهم‌ترین نگرانی‌های امام علی (ع) دربارهٔ امت اسلامی

زهرا انجم شعاع*

چکیده

حضرت علی (ع) در دو خطبه از کتاب شریف نهج البلاغه به مهم‌ترین نگرانی‌های خود دربارهٔ امت اسلامی پرداخته و به‌طور مستقیم به دو گزینه هواپرستی و آرزوهای دست‌نیافتنی اشاره کرده که با هم رابطه‌ای مستقیم دارند به طوری که هواپرستی، سبب طول‌أمل و همچنین طول‌أمل منجر به هواپرستی می‌گردد و این دو با هم سبب فراموشی یاد خدا و جهان آخرت می‌گردند. در نوشتار حاضر ابتدا این دو مؤلفه توضیح و تبیین شده و سپس پیامدهای آنها از دیدگاه نهج البلاغه مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت راهکارهای درمان این دو رذیله اخلاقی ارائه گردیده است. روش تحقیق در این نوشتار کتابخانه‌ای و سندکاوی بوده و داده‌ها به شکل توصیفی - تحلیلی پردازش شده‌اند.

کلیدواژگان: نهج البلاغه، هواپرستی، آرزوهای دست‌نیافتنی، طول‌أمل

*. دکتری زبان و ادبیات فارسی و طلبه سطح سه حوزه علمیّه فاطمیه؛ sahabi12@chmail.ir

مقدمه

نقش و اهمیت مکارم اخلاق در تعالی معنوی انسان‌ها بر هیچ کس پوشیده نیست؛ چنانکه رسول اسلام (ص) نیز هدف از بعثت خویش را تمام کردن مکارم اخلاق معرفی می‌نماید: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتِمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ مِنْ مَبْعُوثٍ شَدِيدٍ» که اخلاق حسنه را به اتمام رسانم. ائمه و اولیای گرامی اسلام نیز پیروان خویش را در سوق دادن به سوی خودسازی و تزکیه نفس، به آموختن اخلاق موظف نموده و خود نمونه و الگوی عملی آن بوده‌اند. در این راستا امام علی (ع) که قرآن مجسم و دست‌پرورده رسول اکرم (ص) هستند، در کلام و سیره علوی خویش تلاش‌های بسیار نمودند که در این نوشتار به بخشی از آن تحت عنوان «مهم‌ترین نگرانی‌های حضرت علی (ع) درباره امت اسلامی» می‌پردازیم و سپس به توضیح و تبیین پیامدهای آنها و نیز راههای درمان آنها اشاره می‌کنیم.

هواپرستی از دیدگاه امام علی (ع)

پیروی از هوی و هوس، یکی از آفت‌های روح والای انسانی است و بندی است بر پای او، تا نتواند راهروی کمال و سعادت و سالک مسیر حقیقت باشد. قرآن کریم، پیروی از هوای نفس را موجب گمراهی از راه خدا و انحراف از صراط مستقیم می‌داند و در آیات متعددی به آن اشاره می‌کند.

یکی از خطرناک‌ترین اموری که یک ملت را تهدید می‌کند، پیروی از هوای نفس و پروراندن آرزوهای دور و دراز است؛ چنانکه امام علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «وَإِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ إِتِّبَاعُ الْهَوَى، وَ طُولُ الْأَمَلِ، فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا؛ هَمَانَا وَحَشْتَنَّاكَ تَرِينُ چیزی

که بر شما می‌ترسم، هواپرستی و آرزوهای دراز است. پس، از این دنیا توشه بگیرید تا فردا خود را با آن حفظ نمایید» (نهج البلاغه، خطبه ۲۸).

این مسأله از دیدگاه حضرت (ع) آن قدر مهم است که در خطبه‌ای دیگر نیز باز به آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ: اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ، وَ طُولُ الْأَمَلِ، فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ فَيُصَدِّعُنِ الْحَقَّ، وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ. أَلَا وَ إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ وَلَّتْ حَذَاءً، فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صُيْبَةٌ كَصُيْبَةِ الْإِنَاءِ اصْطَبَّهَا صَائِبُهَا؛ ای مردم! همانا بر شما از دو چیز می‌ترسم: هواپرستی و آرزوهای طولانی. اما پیروی از خواهش نفس، انسان را از حق باز می‌دارد و آرزوهای طولانی، آخرت را از یاد می‌برد. آگاه باشید! دنیا به سرعت پشت کرده و از آن جز باقی‌مانده اندکی از ظرف آبی که آن را خالی کرده باشند، نمانده است» (همان، خطبه ۴۲).

امیرالمؤمنین (ع) سبب پیدایش فتنه‌ها را هواپرستی و بدعت‌گذاری می‌داند و می‌فرماید: «همانا آغاز پدید آمدن فتنه‌ها، هواپرستی و بدعت‌گذاری در احکام آسمانی است. نوآوری‌هایی که قرآن با آن مخالف است» (همان، خطبه ۵۰). هواپرستی، سبب گمراهی انسان می‌شود؛ چنانکه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «وَ الْهَوَىٰ شَرِيكُ الْعَمَىٰ، وَ رَبُّ بَعِيدٍ أَقْرَبُ مِنْ قَرِيبٍ، وَ قَرِيبٌ أَبْعَدُ مِنْ بَعِيدٍ؛ هواپرستی همانند کوری است چه بسا دور که از نزدیک نزدیک‌تر و چه بسا نزدیک که از دور دورتر است» (همان، نامه ۳۱).

پیامدهای هواپرستی

۱- اسارت و ناتوانی عقل

انسان هواپرست، آنچنان اسیر هواهای نفسانی می‌شود که دوری جستن از آنها برایش مشکل و گاه غیرممکن می‌گردد؛ چنانکه امام علی (ع) می‌فرماید: «... وَ كَمْ مِنْ عَقْلٍ أُسِيرَ تَحْتَ هَوَىٰ أَمِيرٍ...؛ چه بسا عقل که اسیر فرمانروایی هوس است» (همان، حکمت ۲۱۱). نمونه بارز آن، زندگی خفت‌بار معتادان به مواد مخدر است، که در ظاهر آزادند، ولی از هر اسیری، اسیرترند و زنجیر اعتیاد ناشی از هواپرستی چنان دست و پای آنها را بسته که گویا هر گونه حرکت و تلاش برای دوری جستن از خواسته‌هایشان، امری ناشدنی و غیرممکن می‌نماید.

۲- گمراهی و فراموشی یاد خدا

هواپرستی در واقع پرده‌ای بر روی عقل انسان می‌کشد و حقیقت را در نظر او دگرگون می‌نماید؛ چنانکه جز مقصود خود را نمی‌بیند و به غیر آن نمی‌اندیشد و به همین جهت از حق باز می‌ماند. اما آرزوهای دور و دراز چنان انسان را مشغول به خود می‌کند که هرچه غیر از آن است فراموش می‌گردد؛ چنانکه امام علی (ع) می‌فرماید: «وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْأَمَلَ يُسْهِى الْعَقْلَ، وَ يُنْسِي الذِّكْرَ؛ بدانید آرزوهای دور و دراز، عقل را گمراه می‌کند و یاد خدا را به‌دست فراموشی می‌سپارد» (همان، خطبه ۱۰۲).

۳- شقاوت‌مندی

یکی دیگر از پیامدهای هواپرستی، شقاوت‌مندی و رسوایی است. تاریخ بشر مملو از شرح زندگانی کسانی است که در جامعه، دارای مقام و موقعیت

ممتاز بوده‌اند ولی هنگامی که اسیر هوای نفس شدند، کارشان به رسوایی کشیده است؛ مانند داستان یوسف (ع) و همسر عزیز مصر که زلیخا با وجود احترام فراوان و جاه مقام، به علت هواپرستی رسوای خاص و عام شد. علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «... وَالشَّقِيُّ مِنَ انْخَدَعَ لِهَوَاهُ وَ غُرُورِهِ؛ شقاوت‌مند کسی است که فریب هوی و هوس‌ها را بخورد» (همان، خطبهٔ ۸۶).

۴- فراموشی ایمان

هوای نفس، دل آدمی را می‌رباید و نمی‌گذارد دلی برای او باقی بماند تا محلی برای ورود ایمان شود. پیروی از هوای نفس، انسان را به جایی می‌رساند که از چهارپایان پست‌تر می‌گردد. امام (ع) می‌فرماید: «... وَ مُجَالَسَةَ أَهْلِ الْهَوَىٰ مَنْسَاةً لِلْإِيمَانِ ...؛ همنشینی با هواپرستان ایمان را به دست فراموشی می‌سپارد» (همان، خطبهٔ ۸۶)

۵- هلاکت

حضرت (ع) می‌فرماید: «وَلَا تَتَّقَادُوا إِلَىٰ أَهْوَانِكُمْ، فَإِنَّ النَّازِلَ بِهَذَا الْمَنْزِلِ نَازِلٌ بِشَفَا جُرْفٍ هَارٍ، يَنْقُلُ الرَّدَىٰ عَلَىٰ ظَهْرِهِ مِنْ مَوْضِعٍ إِلَىٰ مَوْضِعٍ لِرَأْيٍ يُحْدِثُهُ بَعْدَ رَأْيٍ، يُرِيدُ أَنْ يُلْصِقَ مَا لَا يَلْتَصِقُ وَ يَقْرَبُ مَا لَا يَتَقَارَبُ؛ و تسلیم هوس‌های خویش نباشید، چه اینکه آن کس که به جهالت خود تکیه ورزد و اسیر هواهایش گردد، همچون کسی است که بر لب پرتگاه قرار گرفته (به زودی زمین زیر پایش فرو می‌ریزد و در درهٔ هلاکت سقوط می‌کند)، بار هلاکت و فساد و گناه را به دوش می‌کشد و از جایی به جای دیگر می‌برد و برای توجیه نظرات

متناقضش مطالب بی‌ربط و نامتناسب را به هم پیوند می‌دهد و نزدیک می‌نماید آنچه را که دور است» (همان، خطبه ۱۰۵).

۶- نزدیک دیدن دور و اشتباه محاسباتی

همانطور که در خطبه ۱۰۵ اشاره شد: «... لَا تَتَقَدُّوا إِلَيَّ أَهْوَائِكُمْ... وَ يُقَرِّبُ مَا لَا يَتَقَرَّبُ؛ تسلیم هوس‌های خویش نباشید ... و نزدیک می‌نماید آنچه را که دور است»، یکی از پیامدهای هوی و هوس، خطای محاسباتی در دستیابی به خواسته مطلوب است.

۷- حضور شیطان

شیطان، از طریق هواهای نفسانی در انسان نفوذ می‌کند، کار و تلاش فرد را تأیید می‌کند، کارهای زشت را در نظرش تزیین می‌کند، وی را در انجام آن وسوسه می‌نماید و با دادن وعده‌های دروغین و ترساندن از آینده، از انجام کارهای خیر باز می‌دارد؛ امام علی (ع) می‌فرماید: «... وَ مُجَالَسَةَ أَهْلِ الْهُوَى مَنَسَاةٌ لِلْإِيمَانِ وَ مَحْضَرَةٌ لِلشَّيْطَانِ...؛ همنشینی با هواپرستان ایمان را به دست فراموشی می‌سپارد و شیطان را حاضر می‌کند» (همان، خطبه ۱۰۲).

۸- فریب خوردن

شیطان به وسیله آرزوها انسان را فریب می‌دهد و راه گناه را بر او می‌گشاید و وی را شقاوت‌مند می‌سازد؛ حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «وَقَدْ مَرَّ بِقَتْلَى الْخَوَارِجِ يَوْمَ النَّهْرَوَانِ بُؤْسًا لَكُمْ لَقَدْ ضَرَّكُمْ مِنْ غَرِّكُمْ فَقِيلَ لَهُ مَنْ غَرَّهُمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ الشَّيْطَانُ الْمُضِلُّ وَالْأَنْفُسُ الْأَمَّارَةُ بِالسُّوءِ غَرَّتْهُمْ بِالْأَمَانِيِّ وَ فَسَحَتْ لَهُمْ بِالْمَعَاصِي وَ وَعَدَتْهُمْ الْإِظْهَارَ فَاقْتَنَحَتْ بِهِمُ النَّارُ؛ امام (ع) روز جنگ نهروان

هنگامی که از کنار کشتگان خوارج می‌گذشت فرمود: «بدا به حال شما آن کس که شما را فریب داد به شما ضرر زد». به امام (ع) گفتند: «ای امیر مؤمنان! چه کسی آنها را فریب داد؟» ایشان فرمود: «شیطان گمراه‌گر و نفس اماره، آنها را به وسیله آرزوها فریفت، راه گناه را بر آنها گشود، نوید پیروزی به آنها داد و آنها را به جهنم فرستاد» (همان، حکمت ۳۲۳).

۹- کوردلی

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «وَ الْهُوَ شَرِيكُ الْعَمَى وَ رَبُّ بَعِيدٍ أَقْرَبُ مِنْ قَرِيْبٍ، وَ قَرِيْبٍ أْبْعَدُ مِنْ بَعِيْدٍ؛ هواپرستی همانند کوری است، چه بسا دور که از نزدیک نزدیک‌تر و چه بسا نزدیک که از دور دورتر است» (همان، نامهٔ ۳۱).

۱۰- ظهور فتنه

حضرت (ع) می‌فرماید: «إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تَتَّبِعُ وَ أَحْكَامُ تَبْتَدِعُ؛ همانا آغاز پدید آمدن فتنه‌ها، هواپرستی و بدعت‌گذاری در احکام آسمانی است» (همان، خطبهٔ ۵۰).

راه‌های درمان هواپرستی

۱- پناه بردن به خدا

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذْهَبَ عَنْ قَوْلِكَ أَوْ أَنْ نُفْتَنَ عَنْ دِينِكَ أَوْ تَتَّبِعَ بِنَا أَهْوَاؤَنَا دُونَ الْهُدَى الَّذِي جَاءَ مِنْ عِنْدِكَ؛ الهی! از این به تو پناه می‌بریم که از گفتارت روی گردانیم، یا به کناره‌گیری از آئینت فریفته شویم و یا اینکه هوی و هوس‌های سرکش دل - نه هدایت تو- بر ما چیره گردد» (همان، خطبه ۲۱۵).

۲- تقوا و پروا پیشگی

در کلام و سیره علوی توصیه بسیار به تقوا شده است؛ چنانکه می‌فرماید: «اتَّقِ اللَّهَ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ وَخَفْ عَلَى نَفْسِكَ الدُّنْيَا الْغُرُورَ وَلَا تَأْمَنْهَا عَلَى حَالٍ. وَاعْلَمْ أَنَّكَ إِن لَّمْ تَرُدَّعْ نَفْسَكَ عَنْ كَثِيرٍ مِّمَّا تُحِبُّ مَخَافَةَ مَكْرُوهٍ سَمَّتْ بِكَ الْأَهْوَاءُ إِلَى كَثِيرٍ مِنَ الضَّرَرِ فَكُنْ لِنَفْسِكَ مَانِعًا رَادِعًا وَلِنَزْوَتِكَ عِنْدَ الْحَفِیْظَةِ وَأَقِمًا قَامِعًا؛ در هر صبح و شام به یاد خدا باش و از خدا بترس، از دنیای فریب‌دهنده بر خویشتن ترسان باش و در هیچ حال از آن ایمن مباش، اگر خویشتن را از بسیاری از چیزهایی که دوست می‌داری به‌خاطر ترس از ناراحتی‌های آن باز نداری، هوی و هوس‌ها تو را به زیان‌های فراوانی خواهند رساند، بنابراین در برابر هوس‌های سرکش مانع و رادع، و به هنگام خشم و غضب بر نفس خویش، شکننده و غالب باش» (همان، نامه ۵۶).

۳- به دست گرفتن زمام هوای نفس

انسان باید امیر بر هوای نفس خود و نه اسیر و ذلیل خواهش‌های نفسانی باشد و همواره تلاش کند که خود هوای نفسش را مدیریت کند، نه اینکه هوای نفس او را مدیریت نمایند؛ علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «فَأَمْلِكُ هَوَاكَ وَشُحَّ نَفْسِكَ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ فَإِنَّ الشُّحَّ بِالنَّفْسِ الْإِنصَافُ مِنْهَا فِيمَا أَحَبَّتْ أَوْ كَرِهَتْ؛ زمام هوی و هوس را در دست گیر و آنچه برایت حلال نیست نسبت به خود بخل روا دار، زیرا بخل نسبت به خویشتن این است که راه انصاف را در آنچه محبوب و مکروه تو است پیش‌گیری» (همان، نامه ۵۳).

۴- خویشتن‌داری

حضرت علی (ع) در فرمان به مالک اشتر به وی توصیه می‌کنند که در مقابل وسوسه‌های نفس خویشتن‌داری کند و تقوای الهی پیشه نماید و در ادامه تأکید می‌کند که توفیق این کار را باید از خداوند درخواست نمود: «وَأَمْرُهُ أَنْ يَكْسِرَ نَفْسَهُ عِنْدَ الشَّهَوَاتِ وَيَزَعَهَا عِنْدَ الْجَمَحَاتِ فَإِنَّ النَّفْسَ أَمَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ اللَّهُ؛ و به هنگام وسوسه‌های نفس خویشتن‌داری را پیش گیر، زیرا که «نفس اماره» همواره انسان را به بدی وادار می‌کند، مگر آنکه رحمت الهی شامل حال او شود».

۵- خردورزی

حضرت علی (ع) در خصوص خردورزی می‌فرماید: «الْعُقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ فَاسْتُرْ خَلَلَ خُلُقِكَ بِحِلْمِكَ وَ قَاتِلْ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ؛ عقل شمشیری است برآن، پس کمبودهای اخلاقی خود را با بردباری بپوشان و هوای نفس خود را با شمشیر عقل بکش» (همان، حکمت ۴۲۴).

۶- خودشناسی و کرامت نفس

یکی از آسیب‌های جدی کرامت انسانی، اسارت در خواسته‌های هوای نفس است. کسی که عقلش در اسارت نفس اماره و خواسته‌های نفسانی باشد، چگونه می‌تواند از کرامت و منزلت انسان بهره‌مند شود؟! از اینرو کسی که به مقام خودشناسی برسد و نفسش را با کرامت بداند، اسیر هواپرستی نخواهد شد. حضرت (ع) می‌فرماید: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهَوَاتُهُ؛ کسی که خود را گرامی دارد، هوی و هوس را خوار شمارد» (همان، حکمت ۴۴۹).

۷- مخالفت با هوای نفس

یکی از راههای مدیریت بر هوای نفس این است که با آن مخالفت کنیم، حتی در جایی که آن امر فرمان شده به هوای نفس حرام نباشد. حضرت علی (ع) می فرماید: در گذشته یک برادر خدایی (و دینی) داشتم (که توصیفش چنین بود): آنچه او را در نظرم بزرگ جلوه می داد، کوچکی دنیا در نظر او بود و ... می فرماید: «...وَ كَانَ إِذَا بَدَهُ أَمْرَانِ يَنْظُرُ أَيُّهُمَا أَقْرَبُ إِلَى الْهُوَى فَيُخَالِفُهُ فَعَلَيْكُمْ بِهِذِهِ الْخَلَائِقِ فَالزُّمُوهَا وَ تَنَافَسُوا فِيهَا فَإِنَّ لَمْ تَسْتَطِعُوا فَاعْلَمُوا أَنَّ أَخْذَ الْقَلِيلِ خَيْرٌ مِنْ تَرْكِ الْكَثِيرِ؛ هرگاه دو کار برایش پیش می آمد، می اندیشید که کدام به هوی و هوس نزدیکتر است، با آن مخالفت می ورزید. بر شما باد به داشتن این اخلاق نیک، از یکدیگر در داشتن آنها سبقت گیرید و اگر قدرت انجام همه آنها را ندارید، بدانید انجام کمی از آن بهتر از ترک بسیار آنهاست» (همان، حکمت ۲۸۹).

طول الأمل (آرزوهای دست نیافتنی)

«أمل» در لغت به معنای «امید، آرزو، چشم داشت، خیال باطل و پندار بیهوده» است (معلوف، ۱۳۷۷: ۱ / ۵۹). نراقی در معراج السعادة طول أمل را چنین تعریف کرده است: «آرزوهای بسیار دراز دنیوی و توقع زندگانی دراز در دنیا و بقای در آن» (نراقی، ۱۳۶۱: ۵۱۳). طول أمل از مهمترین رذایل اخلاقی است و انسان را از خدا دور ساخته و به انواع گناهان آلوده می کند. آرزوهای ناپسند به دل بستگی هایی گفته می شود که بیشتر غیرمعقول، کودکانه و غیرقابل دسترسی است. آرزو اگر از حد بگذرد و به صورت آرزوی دور و دراز درآمد، بدترین عامل انحراف و بدبختی است و درست همانند آب باران است که اگر از حد بگذرد، مایه نابودی خواهد شد.

البته «آرزو» و «امید» نه تنها مذموم و نکوهیده نیست، بلکه نقش بسیار مهمی در حرکت چرخ‌های زندگی و پیشرفت در جنبه‌های مادی و معنوی بشر دارد. «امید» عبارت است از خواستن مطلوبی که در آینده قابل تحقق است و چون قابل تحقق است، بالضروره بر واقعیات یا آنچه قابل تبدیل به واقعیات است مبتنی می‌باشد. بنابراین، امید پدیده‌ای روانی است که هرچه بر واقعیات تکیه بیشتری داشته باشد، مفیدتر خواهد بود. «آرزو» نوعی خواستن است که خواسته شده و مبتنی بر واقعیات و حقیقت نیست و از عوامل و عللی که ممکن است آن خواسته را در آینده تحقق ببخشد، اثر و نشانی وجود ندارد (ر.ک: جعفری، ۱۳۶۰: ۹/۲۷۵ و ۲۷۶).

نکوهش آرزوهای طولانی از دیدگاه نهج البلاغه

دومین نگرانی حضرت علی (ع) دربارهٔ امت اسلامی، طول امل است. حضرت (ع) دربارهٔ پرهیز از آرزوهای دور و دراز به فرزند خود امام حسن (ع) می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالْإِتِّكَالَ عَلَى الْمُنَى فَإِنَّهَا بَضَائِعُ التُّوَكِّي؛ مبادا بر آرزوها اعتماد کنید که آرزوها مال‌التجاره احمقان و نابخردان است» (نهج البلاغه، نامهٔ ۳۱). حضرت (ع) در خطبهٔ ۲۸ دو خطر را برای مردم تهدیدکننده‌تر از هر چیز می‌داند: یکی به‌دنبال خواهش دل و تمنای نفس رفتن و از خواستهٔ دل پیروی کردن و دیگری آرزوهای دور و دراز داشتن.

منظور از آرزو داشتن این است که آدمی مطلوبی داشته باشد که هنوز به آن نرسیده است و چیزی را دوست می‌دارد که در آینده تحقق پیدا می‌کند. آرزو و خواهش، امر مطلوب و پسندیده‌ای است که در دسترس نیست و ساده و راحت هم به‌دست نمی‌آید، بلکه باید برای به‌دست آوردن آن زحمت کشید.

اشیاء و امور مختلفی، اعم از دنیوی و اخروی، می‌توانند متعلق آرزو باشند. به یقین آرزوهای بلند مادی که فقط برای لذت دنیوی است، از نظر اخلاق اسلامی ناپسند می‌باشد. کسانی که به دنبال آرزوهای دور و دراز دنیوی می‌روند، خواه ناخواه از تکامل و تحصیل کمالات اخلاقی باز می‌مانند.

انسان برای آرزو کردن و به دنبال آرزو رفتن، ابتدا باید ببیند آن چیزی را که آرزو می‌کند و متعلق آرزویش است، آیا فقط مطلوبی دنیوی است یا برای آخرت هم می‌تواند مفید باشد؟ اگر دنیوی است، آیا صرف نیرو برای چنین چیزی از دیدگاه الهی ارزش دارد یا فقط برای بهره‌مندی از لذت دنیا باید زحمات طولانی را تحمل کند؟ اگر فقط دنیوی است، به دنبال آن رفتن کار نابخردانه‌ای است؛ اما اگر ارزش معنوی دارد، باید سه محاسبه را انجام دهد: (۱) محاسبه میزان تحقق این آرزو، (۲) محاسبه برآورد میزان ارزش آن آرزو؛ یعنی برآورد نماییم در صورت نیل به آن آرزو، چه اندازه برای آخرت و خدمت به خدا و خلق خدا می‌توانیم از آن بهره ببریم. (۳) بررسی آرزوها و کارهای دیگری که در کنار این آرزو می‌تواند در راه خدمت و رسیدن به پاداش اخروی مؤثر باشند؛ یعنی تحقیق کنیم که آیا آرزویی از این ارزشمندتر هم وجود دارد یا خیر؟ اگر آرزویی از این ارزشمندتر نبود، آنگاه این عمل بر ما یقین می‌شود و باید این کار را انجام دهیم، ولی اگر احتمال تحقق آرزو ضعیف باشد و ارزش چندانی نداشته باشد، به دنبال چنین آرزویی رفتن، یک خیال‌پردازی بیش نیست و حیف از عمری که برای آن صرف گردد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۹۶-۸۷).

امیرالمؤمنین (ع)، ما را از اتکال بر آرزوها برحذر می‌دارد، اما اگر کسی آرزوی بلند داشته باشد و راهش را هم بشناسد و ارزشیابی صحیح نیز انجام

دهد و بعد از توکل به خداوند متعال با تکیه بر سعی و تلاش خود در پی به دست آوردن آن آرزو حرکت کند، هرگز آن آرزوها مذموم نخواهد بود. در واقع کسانی آرزوهای بلند و نامعقول در سر می‌پروراندند که برای رسیدن به آنها تلاشی در خور انجام نمی‌دهند و شناخت صحیحی هم ندارند و الویت‌ها را رعایت نمی‌کنند؛ بی‌تردید چنین افرادی همانند کسانی هستند که با مال‌التجاره خیال به تجارت می‌پردازند و در واقع خیال خام در هاون ذهن می‌کوبند تا به ثمر نشینند!

حضرت علی (ع) در خصوص این گونه افراد می‌فرماید: اینها آدم‌های احمق و بی‌عقلی هستند که می‌خواهند با سرمایهٔ خیال و آرزو تجارت کنند. آرزو و خیال، سرمایهٔ احمقان است. مخاطب کلام حضرت (ع) کسانی هستند که می‌خواهند به آرزوهای طولانی نسنجیده، غیرمعقول و ارزیابی نشدهٔ خود اعتماد کنند. کلام حضرت (ع)، دستور زندگی است و فایده‌اش تنها مربوط به آخرت نیست؛ زیرا کسی که فقط با آرزوهای خود زندگی می‌کند و تلاش لازم را جهت نیل به اهدافش نمی‌کند، دنیای خود را ویران می‌سازد. چون هدف خود را درست ارزیابی نکرده، راهش را نشناخته و نیز تلاش نکرده است، به هدف خویش نمی‌رسد و وقتی به دنیایش نرسید به آخرتش هم نمی‌رسد. اگر در پی آن آرزو، کوشش و تلاش کرده و به آن برسد، ممکن است آخرتش را هم تأمین نماید، اما اگر تلاش نکند و فقط با آرزو زندگی نماید، دنیا و آخرت، هر دو، را خواهد باخت. این وضعیت نسبت به کسب معلومات و اهداف اخروی نیز وجود دارد. کسی که دوست دارد به مقامات اخروی و درجهٔ اولیا برسد، اما

زحمتی در این مسیر نمی‌کشد، به خیالات و اوهامی دل بسته که به هیچ وجه قابل اعتماد نیست.

پیامدهای آرزوهای دست‌نیافتنی

الف) گمراهی عقل و فراموشی یاد خدا

کسی می‌تواند چهره زیبای حقیقت را همان‌گونه که هست ببیند و به سرچشمه زلال معرفت متصل شود که دیده عقل خود را با حجاب آرزوها نپوشاند و در میان ابرهای تیره و تار طول امل قرار نگیرد. حضرت (ع) در آخر خطبه ۸۶ نهج البلاغه با تعبیر بسیار گویایی در این زمینه به همه کسانی که طالب سعادت هستند هشدار می‌دهد و می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَمَلَ يُسْهِى الْعَقْلَ وَ يُنْسِي الذِّكْرَ...؛ بدانید که آرزوهای دراز، عقل را گمراه می‌سازد و یاد خدا را به فراموشی می‌سپرد».

ب) ارتکاب اعمال بد و ناشایست

یکی از بدترین آثار طول امل و آرزوهای دراز این است که انسان را به انواع گناهان دعوت می‌کند؛ زیرا رسیدن به این آرزوها معمولاً از طریق مشروع ممکن نیست، بنابراین گرفتاران این رذیله اخلاقی خود را ناگزیر می‌بینند که در کسب درآمد و آنچه که در نظر دارد از غصب حقوق دیگران، خوردن مال یتیم، کم‌فروشی، رباخواری، رشوه و مانند این امور ابا نداشته باشند. چراکه با استفاده از اسباب مشروع، هرگز نیل به تمام آرزوها امکان‌پذیر نیست و فقط از طریق آمیختن حلال به حرام و پایمال کردن حقوق دیگران و به فراموشی سپردن فرمان خدا میتوان به آنها دست یافت. در کلمات قصار نهج البلاغه نیز

آمده است: «مَنْ أَطَالَ الْأَمَلَ أَسَاءَ الْعَمَلُ؛ آن کس که آرزوهای خود را طولانی کند، مرتکب اعمال بد می‌شود» (نهج البلاغه، حکمت ۳۶).

ج) فریب خوردن

فریبنده‌ترین فریبنده‌ها آرزوست؛ زیرا موجب می‌شود انسان سرمایه‌گرانبهای عمر را از دست داده، آن را در راه به‌دست آوردن آرزوهای دراز صرف کند. کسانی که مبتلا به طول‌امل هستند، بدون تهیه توشه برای آخرت، به سرای دیگر می‌روند و اسباب نابودی خود را فراهم می‌آورند. حضرت (ع) در این باره می‌فرماید: «... فَأَكْذِبُوا الْأَمَلَ فَإِنَّهُ غُرُورٌ وَ صَاحِبُهُ مَغْرُورٌ؛ به آرزوها اعتنا نکنید که فریب است و دارندهٔ این آرزوها فریب خورده است (همان، خطبهٔ ۸۶).

د) نابودی بی‌هدف انرژی‌های خود

انسان در حال ساخته و پرداخته کردن آرزوهای دست‌نیافتنی، مجبور است انرژی‌های خود را در ساختن تصنعی علل و عوامل و جابجا کردن حقایق و انتخاب نامعقول واقعیات از بین ببرد؛ در صورتی که این نیروها می‌توانند صرف تحقق آرمان‌هایی مفیدتر و ضروری‌تر گردند.

ه) فراموشی مرگ و آخرت

فراموشی یاد مرگ و سرای آخرت خطر بزرگی است که سر راه حیات هدف-دار انسان‌ها می‌گیرد و آنها را از حرکت در مسیر تکاملی «حیات عقلانی» باز می‌دارد. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «... و أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ؛ آرزوهای طولانی، آخرت را از یاد می‌برد» (همان، خطبهٔ ۴۲).

آرزوهای دور و دراز به این دلیل موجب فراموشی آخرت می‌شود که تمام نیروهای آدمی را به خود جلب می‌کند. به خصوص اینکه دامنه این نوع آرزوها هرگز محدود نمی‌شود و طبیعت آنها چنین است که هر زمان انسان به یکی از آرزوهایش جامه عمل بپوشاند، آتش عشق آرزوی دیگری در دل او زبانه می‌کشد و در واقع آرزوها مانند حلقه‌های زنجیر به هم متصلند. با توجه به این واقعیت‌ها، دیگر نه وقتی برای انسان باقی می‌ماند و نه نیرو و امکانی که به آخرتش بپردازد.

برخی از شارحان نهج البلاغه می‌گویند: «اینکه آرزوهای دور و دراز، قیامت را به فراموشی می‌افکند به خاطر آن است که دنیاپرستان پرتوقع به خاطر عشقی که به مظاهر دنیا دارند سعی می‌کنند مرگ را که وسیله جدایی آنها از معشوقشان می‌شود، فراموش کنند و فراموش کردن مرگ سبب فراموشی قیامت می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۳۸۷ / ۲). هر کس اگر به یاد داشته باشد که روزی از این جهان رخت برخواهد بست قطعاً به دنبال آرزوهای دست‌نیافتنی نمی‌رود و عمر خود را تباہ نمی‌سازد. امام علی (ع) در حکمت ۱۹ نهج البلاغه می‌فرماید: «مَنْ جَرَى فِي عِنَانِ أَمَلِهِ عَثَرَ بِأَجَلِهِ؛ کسی که در مسیر آرزوها بشتابد، در مرگ خواهد افتاد. گرفتاران این رذیله اخلاقی هرگز نه سخنی از مرگ بر زبان می‌رانند و نه در فکر آخرتند، بلکه همواره در گرداب غفلت غوطه‌ورند.

راههای درمان طول امل

الف) تقوا و پرواپیشگی

هر قدر انسان از ایمان و تقوای بالاتری برخوردار باشد، به میزان بیشتری می‌تواند در برابر آرزوهای ناپسند ایستادگی کند. «تقوا» از ریشه

«وقایه» و به معنای «خودنگهداری» بوده و یکی از مراحل عالی ایمان است که کوتاهی آرزو را به همراه دارد. حضرت (ع) درباره تقوا می‌فرماید: «إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ حَمَتُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مُحَارِمَةٌ، وَ الزَّمْتُ قُلُوبَهُمْ مَخَافَتَهُ؛ همانا تقوای الهی دوستان خدا را از انجام محرمات بازمی‌دارد و قلب‌هایشان را پر از ترس خدا می‌سازد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴). همچنین ایشان در خصوص نشانه‌های افراد باتقوا می‌فرماید: «لِلْمُتَّقِي ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ وَ قَصْرُ الْأَمَلِ وَ اغْتِنَامُ الْمَهَلِّ؛ برای انسان باتقوا سه نشانه است: اخلاص عمل، کوتاهی آرزو، غنیمت شمردن فرصت‌ها (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸: ۱/ ۱۳۱). دوستان خدا تقوا پیشه می‌کنند و این موجب می‌شود که آنان آرزوها را سراب شمرده و به عمل بپردازند (ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴).

ب) یاد کردن از مرگ

حضرت علی (ع) در توصیف پارسایان می‌فرماید: «وَكَذَّبُوا الْأَمَلَ فَلَا حَظَّوْا الْأَجَلَ؛ آرزوهای دنیایی را دروغ خواندند و مرگ را به درستی نگریستند» (همان، خطبه ۱۱۴). برای زدودن آثار طول‌امل باید به تفکر و اندیشه پرداخت و خود را خوب شناخت و دانست که فرجام کار انسان مرگ است و اندوختن اموال و برنامه‌ریزی برای رسیدن به آرزوها و آمال دور و دراز هرگز مایه سعادت‌مندی انسان نمی‌شود. از سوی دیگر، درک این امر نیز مهم است که جهان منزلگاهی بر سر راه است و هدف از بودن در این جهان، آماده شدن و اندوختن زاد و توشه برای آخرت است.

ج) عبرت‌پذیری از دنیا

حضرت درباره عبرت‌آموزی دنیا می‌فرماید: «وَمِنْ عِبْرَاهَا أَنَّ الْمَرْءَ يُشْرِفُ عَلَى أَمَلِهِ فَيَقْتَطِعُهُ حُضُورُ أَجَلِهِ، فَلَا أَمَلَ يُدْرِكُ، وَلَا مُؤَمَّلٌ يُتْرَكُ؛ وَ مِنْ نَشَانَةِ عِبْرَتِ أَنْگِيزِ بُوْدِنِ دُنْيَا، أَنْكِه، آدَمِي پَسِ از تَلَاشِ وَ اَنْتِظَارِ تَا مِي رُوْدِ بِهْ اَرْزُوْهَائِشِ بَرَسِدِ، نَاگِهَانِ مَرگِ اَوْ فَرَارِسِيْدِه، اَمِيْدِشِ رَا قَطْعِ مِي كِنْدِ، نِهْ بِهْ اَرْزُوْ رَسِيْدِه وَ نِهْ اَنْچِهْ رَا اَرْزُوْ دَاشْتِه بَاقِي مِي مَانْدِ» (همان، خطبه ۱۱۴).

رفتن به گورستان و حضور کنار مزار گذشتگان و تفکر در اینکه آدمیان با هر مقام و منصبی در دل خاک مسکن گزیده‌اند، انسان را از غفلت و بی‌خبری بازداشته و به اندیشه وامی‌دارد که روزی او نیز به این مکان انتقال خواهد یافت. این امر آدمی را از دل بستن به دنیا و آرزوهای دنیوی باز داشته و مایه عبرت او می‌شود (نراقی، ۱۳۸۴: ۵۴۲ - ۵۴۴). یکی از خطبه‌های نهج البلاغه مبین این موضوع است که انسان با مشاهده آثار پیشینیان، که آرزوهایی درازتر و عمری بیشتر از ما داشتند، عبرت می‌گیرد؛ زیرا دنیا هیچگاه به یاری دنیاپرستان نیامده، بلکه برعکس، آنها را در معرض آفت‌های گوناگون قرار داده و با آزمایش‌های مختلف خوارشان کرده و با مشکلات ذلیلشان نموده و به صورت به خاک افکنده و پایمالشان کرده است؛ چنین دنیایی ارزش تقدم بر امور دیگر را ندارد (ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۱۱). امام علی (ع) درباره نقش پند گرفتن از دیگران برای مهار آرزوها می‌فرماید: «فَاتَّعِظُوا عِبَادَ اللَّهِ بِالْعِبْرِ النَّوَافِعِ وَ اعْتَبِرُوا بِالْأَيِّ السَّوَاطِعِ وَ اَزْدَجِرُوا بِالنُّذْرِ الْبَوَالِغِ وَ اَنْتَفِعُوا بِالذِّكْرِ وَ الْمَوَاعِظِ فَكَأَنَّ قَدْ عَلِقْتُمْ مَخَالَبَ الْمَنِيَّةِ وَ اَنْقَطَعَتْ مِنْكُمْ عِلَاقَةُ الْأَمْنِيَّةِ وَ دَهَمْتُمْ مَفْطَعَاتُ الْأُمُورِ وَ

السِّيَاقَةُ إِلَى الْوَرْدِ الْمَوْرُودُ؛ ای بندگان خدا! از آنچه عبرت‌آور و منفعت‌بخش است پند گیرید و از آیات روشن در عبرت فرو روید و از اندازهای رسا و بلیغ بترسید و از یادآوری و مواظب بهره‌مند گردید؛ چنانکه گویا چنگال مرگ در پیکر شما فرو رفته و علاقه‌ها و آرزوها از شما رخت بر بسته و شداید و سختی‌های مرگ و آغاز حرکت به سوی رستاخیز به شما هجوم آورده است» (همان، خطبه ۸۵).

د) زهدورزی

کوتاه کردن آرزو به قدری اهمیت دارد که امام علی (ع) آن را رکن اصلی زهد شمرده و می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ! الزَّهَادَةُ، قَصْرُ الْأَمَلِ وَالشُّكْرُ عِنْدَ النَّعْمِ وَ التَّوَرُّعُ عِنْدَ الْمَحَارِمِ؛ ای مردم! زهد در سه چیز خلاصه می‌شود: کوتاهی آرزوها و شکرگزاری در مقابل نعمت‌ها و پرهیز از گناهان» (همان، خطبه ۸۱). آرزوهای دست نیافتنی همواره فراتر از عمر و امکان و قدرت آدمی است و به همین دلیل، هواپرستان و دنیاطلبان هرگز به آرزوی نهایی خود نمی‌رسند و بیشتر آنان به هنگام جان دادن با ناراحتی و زجر فراوان دنیا را وداع می‌گویند.

ه) ترک آرزو

انسان گاهی آرزوی امور محال می‌کند؛ مثلاً آرزو می‌کند که ایام جوانی برگردد یا آرزو می‌کند حادثه‌ای که در گذشته با کیفیت خاصی اتفاق افتاده، واقع نشود. معلوم است که تحقق این‌گونه آرزوها غیرممکن است. گاهی نیز آرزوی امور ناپسندی دارد که موجب دور شدن از هدف خلقت و ارزش‌های والای انسانی می‌شود؛ مانند زمانی که آرزوی داشتن ثروت فراوان یا مقامات دنیوی دارد، به گونه‌ای که گویی بشر تنها برای زندگی در این جهان خلق

شده است. گاهی نیز آرزوهای محال یا غیرشرعی ندارد، ولی برای رسیدن به آنها، باید هزینه زیادی پرداخت کند و عمر گرانبه‌ای خود را صرف نماید. پس آمال نامعقول و غیرصحيح را باید ترک نمود. حضرت (ع) در این خصوص می‌فرماید: «وَأَشْرَفُ الْغِنَى تَرْكُ الْمُنَى؛ برترین بی‌نیازی ترک آرزوهاست» (همان، حکمت ۲۱۱).

تمثیلی زیبا درباره آرزوها

روزی پیامبر اکرم (ص) روزی سه قطعه چوب را برداشت؛ یکی را پیش روی خود بر زمین فرو نشاند و دومی را کمی آن طرف‌تر و سومی را بسیار دورتر قرار داد. سپس رو به یاران خود کرد و فرمود: «می‌دانید این‌ها چیست؟» عرض کردند: «خدا و پیامبرش آگاه‌تر است». حضرت (ص) فرمود: «این قطعه چوبی که در برابر من قرار دارد به‌منزله انسان است و قطعه دوم – که کمی از آن دورتر است – به‌منزله اجل و پایان زندگی است و اما آن قطعه سوم – که در فاصله دوری قرار دارد- آرزوهایی است که انسان به سراغش می‌رود، ولی اجل پیش از رسیدن به آن مانع و حائلش می‌شود» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۹ق: ۱/۱۴۳).

البته نباید فراموش کرد که اصل وجود آرزو و امید به آینده برای انگیزه حرکت و تلاش و کوشش و فعالیت را انسان‌ها فراهم می‌سازد. پس وجود امید و آرزو در انسان نه تنها عیب نیست، بلکه حسن است و بدون آن زندگی کردن بسیار مشکل است، اما آنچه مایه بدبختی آدمی می‌شود، آرزوهای غیرمنطقی و دور و دراز است. این همان چیزی است که پیامبر (ص) به آن اشاره کرده و می‌فرماید: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِّأُمَّتِي وَ لَوْلَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتِ الْوَالِدَةُ وَلَدَهَا وَ لَاغْرَسَ غَارِسٌ شَجْرًا؛ امید به آینده و آرزو، مایه رحمت برای امت من است. اگر نور امید نبود، هیچ مادری، فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی نهال

نمی‌کاشت» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۷۳/۷۴). بنابراین باید از یکسو چراغ امید به آینده و آرزو را در دل‌ها فروزان نگاه داشت و از سوی دیگر، آن را در حد معقول و منطقی محدود ساخت. آرزوی منطقی و معقول آن است که به مقدار نیاز انسان و در حد قدرت و توان او باشد و او را به‌گونه‌ای مشغول نکند که از اهداف اصلی حیات خویش باز بماند.

اسلام هرگز با برنامه‌ریزی برای آینده مخالف نیست، به خصوص برای کارهای اجتماعی که مایه سربلندی جامعه مسلمانان و عدم وابستگی آنها به دشمنان اسلام است. چنین کاری، نه تنها مذموم نیست، بلکه نوعی عبادت محسوب می‌شود. آنچه در اسلام مذموم است این است که انسان چنان در آرزوها غرق شود که آخرت را به فراموشی بسپارد و تمام توان و نیروی خود را صرف آرزوهایی کند که هرگز به آنها نمی‌رسد (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۲/۴۶۲).

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد مهم‌ترین نگرانی‌های حضرت علی (ع) دربارهٔ امت اسلامی دو چیز است که عبارت است از پیروی از هوی و هوس و طول‌أمل؛ زیرا پیروی از خواهش‌های نفس، انسان را از حق باز می‌دارد و آرزوهای طولانی، آخرت را از یاد او می‌برد.

با توجه به کلام و سیره علوی می‌توان به اسارت و ناتوانی عقل، گمراهی و فراموشی یاد خدا، فراموشی ایمان، شقاوتمندی، هلاکت، نزدیک دیدن دور و اشتباه محاسباتی، حضور شیطان، فریب خوردن، کوردلی، ظهور فتنه به عنوان پیامدهای هواپرستی اشاره کرد. همچنین راههای درمان آن عبارتند از: به پناه بردن به خدا، تقوا و پروا پیشگی، به‌دست گرفتن زمام هوای نفس، خویش‌تنداری، خودشناسی و کرامت نفس و خردورزی.

همچنین می‌توان به گمراهی عقل و فراموشی یاد خدا، ارتکاب اعمال بد و ناشایست، فریب خوردن، نابودی بی‌هدف انرژی‌های خود و فراموشی مرگ و

آخرت به‌عنوان پیامدهای طول‌أمل اشاره کرد و راههای درمان آن را چنین برشمرد: تقوا و پروا‌پیشگی، یادکردن مرگ، عبرت‌پذیری از دنیا، زهدورزی، ترک آرزو.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. تمیمی آمدی، عبد الواحد، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۴. جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ معارف اسلامی، ج ۹، ۱۳۶۰.
۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دارالإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۶. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: مؤسسه دارالحدیث، ج ۱، ۱۴۱۹ق.
۷. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ج ۲، ۱۳۸۷.
۸. مصباح یزدی، محمدتقی، پند جاوید، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ج ۲، ۱۳۸۷.
۹. معلوف، لوئیس، المنجد، ترجمه احمد سیاح، تهران: انتشارات اسلام، ج ۱ و ۲، ۱۳۷۷.
۱۰. نراقی، احمد، معراج السعادة، تهران: انتشارات رشیدی، ۱۳۶۱.